چهارشنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۳
شماره ۴۳۰۷
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

نگاهی نو به مرجعیت دینی زنان

سیدمهدی رفیع‌پور
مدرس حوزه علمیه

مشهور فقیهان ما معتقدند که یکی از شرایط مرجع تقلید، مرد بودن است و مهم‌ترین دلیلی که در اینجا مطرح می‌شود، بحث اجماع و اتفاق نظر است. فقیهان ملاحظه کرده‌اند که همه فقهای پیشین و نسل‌های قبل، یکی از شرایط مرجع تقلید را مرد بودن ذکر کرده‌اند. اما برخی از فقیهان معاصر، مانند مرحوم آیت‌الله مطهری رحمت‌الله‌علیه و بر اساس فرمایشات رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای، در این مسئله تأمل و اشکال دارند و معتقدند که دلیل متقنی برای مرد بودن مرجع تقلید وجود ندارد. اصل تقلید و رجوع جاهل به عالم، مسئله‌ای است که متکی به بنای عقلا و سیره عقلا در طول تاریخ بوده و هست. همچنین، در سیره متشرعه از صدر اسلام تاکنون، افراد همواره برای مسائل دینی خود به اهل خبره و کارشناسان مراجعه کرده‌اند. اگر در گذشته مردها متصدی افتا بوده‌اند و فتوا می‌دادند و مردم از آن‌ها تقلید می‌کردند، این به دلیل شرایط زمان و مکان بوده است؛ چراکه در آن زمان، زنان مجتهده بسیار کم و حتی در برخی قرون، گزارش‌هایی مبنی بر وجود زنانی که به اجتهاد رسیده باشند، وجود نداشته است. حتی گاهی اوقات که ذکر شده، بسیار کم و نادر بوده و با توجه به شرایط آن زمان، مشخص نیست که اصلاً امکان دسترسی برای استفتا از آن مجتهده و فقیه خانم وجود داشته است. لذا این بزرگان می‌فرمایند که اگر واقعاً یک زن مجتهده تمام شرایط مرجعیت را دارد، چرا نباید از او تقلید کرد؟ مخصوصاً در مسائل زنان و احکام غسل‌های اختصاصی بانوان و مسائلی از این دست که به طور طبیعی فهم موضوع و درک سؤالات در این حوزه برای خانم‌ها راحت‌تر و روشن‌تر است و احتمال دارد که آن‌ها در این زمینه گاهی بهتر استنباط کنند. در چنین صورتی، اگر مسئله تقلید را به‌عنوان یک مسئله رجوع به متخصص در نظر بگیریم، چه تفاوتی بین زن و مرد وجود دارد؟ به عنوان مثال، اگر قلب یا مغز شما بیمار باشد و بخواهید به پزشک متخصص مراجعه کنید، اگر به شما گفته شود که خانم دکتر تخصص و مدرک و خبرگی بالاتری نسبت به آقای دکتر دارد، در مسائل پزشکی مهم، بیماران عقلاً به خانم دکتر مراجعه می‌کنند. مرد باشد یا زن، فرقی نمی‌کند. در این جهت نیز به نظر می‌رسد که خانم‌ها می‌توانند در بسیاری از مسائل زنان، به‌ویژه در حوزه‌هایی که به‌طور طبیعی بر آن‌ها تسلط بیشتری دارند، به فقیه زن مراجعه کنند. البته گاهی اوقات ممکن است در برخی مسائل، بانوان کار نکرده باشند و آقایان در آن حوزه کار کرده باشند. یعنی موارد و زمان‌ها متفاوت است. مثلاً ممکن است یک خانم مجتهد باشد اما در زمینه‌هایی مانند صلات یا حج کار کرده باشد و در حوزه مسائل زنان کار جدی نکرده باشد. اما اکنون بانوان مجتهده‌ای وجود دارند که در خصوص همین مسائل تحقیق و تفحص کرده‌اند.

لذا اگر این باب باز شود، در نهایت به نظر می‌رسد که این بزرگان، شرطیت مرد بودن مرجع تقلید را رد می‌کنند و نقد و شروع آن را از مسائل زنان آغاز کرده‌اند؛ چراکه به‌طور طبیعی واضح است که خانم‌ها در این زمینه بهتر درک می‌کنند و موضوع‌شناسی بهتری دارند. البته در سایر مسائل نیز به نظر می‌رسد اگر با این نگاه وارد شویم و این استدلال را ادامه دهیم، می‌توان گفت که اگر فرض کنیم بانوان مجتهد در یک باب دیگر از ابواب فقه به‌طور تفصیلی تحقیق کرده‌اند و آقایان در آن باب کار نکرده‌اند یا کم کار کرده‌اند و فقط به مشهورات و مسائل خلاصه و معروف پرداخته‌اند، درحالی‌که بانوان در آن حوزه تحقیق بیشتری کرده‌اند، طبیعتاً اگر ملاک ما تخصص و مراجعه به متخصص برتر باشد، باید در آن باب نیز از آن‌ها تقلید کنیم. اما به‌طور مسلم، اگر کسی بخواهد از نظر فنی و اجتهادی صحبت کند، می‌تواند این‌طور بیان کند که اجماعی که برای مرد بودن مرجع تقلید ادعا شده، حداقل در مسائل مربوط به زنان و مسائلی که مجتهدین خانم بیشتر کار کرده‌اند و تسلط بیشتری دارند، واضح نیست. اجماعی که بزرگان ادعا کرده‌اند، مربوط به زمان گذشته است که بانوان مجتهده در این سطح‌ها وجود نداشتند یا تراز علمی آن‌ها پایین بود یا اصلاً وجود نداشتند یا به‌ندرت بودند. اما اکنون بحمدالله، به تعبیر رهبری، بانوان مجتهده کم نیستند و در حوزه‌های علمی سال‌ها درس خوانده‌اند.

اینجا از فرصتی که دارم، می‌خواهم این نکته را عرض کنم که با توجه به نگاه راهگشایانه‌ای که ایشان دارند، مناسب است برای بانوان درس‌های خارج و درس‌های اجتهادی برگزار شود؛ چراکه برخی از بانوان محترم که در مدارج عالی حوزوی تحصیل می‌کنند، به بنده مراجعه کرده‌اند و گفته‌اند امکان شرکت در بسیاری از درس‌های خارج آقایان برای آن‌ها وجود ندارد و فقط آقایان می‌توانند در این کلاس‌ها شرکت کنند. البته در برخی از درس‌های خارج، این امکان فراهم شده که علاوه بر مردان، خانم‌ها نیز در آن‌ها شرکت کنند اما تعداد این درس‌ها در حوزه بسیار کم است.

ما باید در زمینه آموزش این فرصت را فراهم کنیم تا همان‌طور که آقایان می‌توانند در درس‌های خارج شرکت کنند، بانوانی که سال‌ها در سطح و در حوزه تحصیل کرده‌اند و اکنون به درس‌های خارج رسیده‌اند و می‌خواهند مجتهد شوند، این گونه نباشد که فقط به نوار گوش دهند یا از کتاب‌های اجتهادی استفاده کنند، بلکه باید فرصت شرکت در درس‌های خارج را به‌ویژه در کنار استادان مجتهد خبره داشته باشند. این بستر و زمینه باید توسط حوزه علمیه و مدیریت محترم حوزه ایجاد شود تا بانوان علاقه‌مند که مقدمات را طی کرده‌اند، بتوانند در این درس‌ها شرکت کنند و ارتباط علمی با استاد و مجتهدی که درس خارج می‌دهد، برقرار کنند و اشکالات خود را رفع کنند. به این ترتیب، به‌تدریج به ملکه استنباط دست پیدا کنند و به درجه عالی و والای اجتهاد برسند. ان‌شاءالله که خداوند متعال به همه ما، چه مردان و چه زنان، توفیق دهد تا مطالب شریعت را به‌درستی فهمیده و به آن عمل کنیم.

برای رسانه‌های اپوزیسیون حتی برند جولانی از برند خودشان مهم‌تر است

کارگران روزمزد بی‌بی

علی مزروعی
خبرنگار گروه نقد روز

«پدرانه از من خواست تا موهایم را بپوشانم» این تیتر یک روزنامه محافظه‌کار ایران نیست. این تیتر در مورد ویدئویی از ابومحمد الجولانی، سرکرده تحریرالشام است که در آن خطاب به یکی از بانوان بدون حجاب که برای گرفتن عکس یادگاری به سمتش می‌رفت از او خواست ابتدا سرش را بپوشاند. البته اگر این تیتر را روابط عمومی تحریرالشام منتشر می‌کرد طبیعی بود. بالاخره یک گروه اسلامگرا که صاحب حکومت شده از ابزار رسانه‌ای خود برای مدلی که می‌خواهد پیاده‌سازی کند، بهره می‌برد؛ اما نکته نغز اینجاست که این تیتر را روابط عمومی تحریرالشام هم منتشر نکرده است. این تیتر را رسانه اپوزیسیون فارسی زبان منوتو منتشر کرده است که از سال ۱۴۰۱ هرگونه تذکری برای حجاب در ایران را به‌عنوان برخورد سخت فاکتور کرده و با داستان‌سرایی به دنبال تبدیل این برخوردها به ابزاری سیاسی علیه ایران بوده است. حالا همین رویکرد در مورد الجولانی نیز پیاده می‌شود. فردی که تا دیروز با لباس نظامی و ریش بلند عکسش در فهرست تروریست‌های آمریکا بود؛ اما اکنون صرفاً به این دلیل که در راستای سیاست‌های آمریکا توانسته بشار اسد، متحد منطقه‌ای ایران را کنار بزند باید مورد تجلیل قرار گرفته و از او تصویری معتدل و متفکر و مهربان برساخته شود ولو اینکه این تصویر با سابقه خودش و سابقه رسانه‌های رپورتاژکننده آن تفاوت داشته باشد.

«مشکل فساد است نه حجاب» تیتر ایران باشد اما جولانی نه!

منوتو که چشم برهمه مشکلات امنیتی پسا جولانی در سوریه بسته، در مورد تبلیغات حجاب در ایران هر چند وقت یکبار با یک ویدئو که ادعا می‌شود یک شهروند برایش فرستاده به هرگونه تبلیغات در مورد حجاب واکنش نشان می‌دهد. یک بار تیتر می‌زند «مشکل مملکت ما فساد است نه حجاب» و یک بار هم معترض می‌شود که حکومت با نصب تبلیغات می‌خواهد حجاب را ترویج کند. منوتو البته در تیتری که برای الجولانی منتشر کرده و از او تصویر پدری مهربان ساخته، توضیح نداده است که آیا در سوریه هم مشکل فقط حجاب است یا مواردی همچون اشغال سرزمین و نابودی تأسیسات نظامی که جولانی در مقابل آن‌ها منفعل ایستاده نیز می‌توانند در تیتر گنجانده شوند. این رسانه البته به اتخاذ رویکردهای متناقض عادت کرده است. پیش از این در جریان اتفاقات ۱۴۰۱ منوتو ویدئویی از شعارهای اعتراضی برخی کودکان منتشر می‌کرد و مدعی می‌شد حاکمیت باعث شده تا دامنه اعتراضات مردمی شدید شده و شاهد «بلوغ سیاسی زودرس» در ایران باشیم. منوتو در حالی چنین ادعایی می‌کند که برخی کودکان به ظاهر معترض از بیان صحیح جملات اعتراضی نیز ناتوان مانده و مشخص است که توسط فردی به آن‌ها دیکته شده است. جالب اینجاست که این رسانه در ادامه همین بسته خبری به اعتراضات فرانسه که تصاویر برخوردهای خشن پلیس این کشور با معترضان بازتاب کرده بود نیز پرداخته و این گونه آن را توجیه می‌کند: «پلیس با جوانان و نوجوانانی برخورد کرده که دست به ایجاد آشوب زده‌اند.» مطابق این استاندارد دوگانه اگر یک نوجوان ایرانی به حکومت ایران اعتراض کند به بلوغ رسیده و اگر یک نوجوان فرانسوی این کار را کند، معترض و آشوب‌گر است.

اینترنشنال می‌گوید تحریرالشام تغییر کرده است و به مردم موز می‌دهد

دامنه رویکردهای متناقض در سناریوی سفیدشویی جولانی صرفاً به منوتو محدود نیست. نوری‌زاده، مجری شبکه اینترنشنال که رسماً به پروژه بگیر نتانیاهو تبدیل شده مرزهای سفیدشویی از جولانی و ارائه برندی جدید از تروریست‌های داعشی تحریرالشام را این گونه جابه‌جا کرد: «نخست‌وزیر جولانی من را یاد مهندس بازرگان می‌اندازد با این تفاوت که ریشش بلند است که آن را هم کوتاه می‌کند.» فرداد فرحزاد دیگر مجری رادیکال این شبکه نیز در گفت‌وگو با یک کارشناس مدعی می‌شود تحریرالشام قرار نیست رویکرد اسلام‌گرایانه افراطی در پیش بگیرد که البته کارشناس برنامه تلاشش را این گونه ناکام می‌گذارد: «اینها همان داعشی‌ها هستند که اتفاقاً اکنون هم با لباس‌های داعش در حال تسویه حساب هستند؛ تحریرالشام حتی به بیانیه‌های خودش هم پایبند نیست! چرخه انتقام در سوریه ادامه دارد و آمریکا و ترکیه فقط می‌خواستند اسد برکنار شود و برای بعد از آن برنامه‌ای ندارند!»

مهدوی‌آزاد دیگر مجری اینترنشنال و هاشمیان یکی از کارشناسان اینترنشنال در گفت‌وگویی طنزگونه این گونه برای سفیدشویی جولانی دست و پا می‌زنند: «این‌ها دیگر از داعشی بودن فاصله گرفتند چرا متهم‌شان می‌کنید؟! محمد جولانی، رهبر تحریرالشام ریش‌هایش را کوتاه کرده، لباس‌هایش را اتوکشیده؛ اینها که روزی سر می‌بریدند اما اکنون به مردم موز می‌دهند؛ امروز روز مرحمت و مهربانی است!»

سی‌ان‌ان‌ی‌تر از این نمی‌شود!

تلویزیون سی‌ان‌ان که در زمان سفر سیدابراهیم رئیسی به نیویورک گفت‌وگویی با رئیس‌جمهور وقت ایران را هماهنگ کرده بود، حاضر نشد پروتکل ریاست‌جمهوری ایران را رعایت کرده و مجری محجبه به گفت‌وگو بفرستد. سی‌ان‌ان برای دامن زدن به تنش‌های داخلی ایران در مورد حجاب حاضر شد حتی قید این مصاحبه را نیز بزند. در سال ۱۴۰۳ اما وضعیت انگار فرق کرده و سیاست‌های غرب، استانداردهای رسانه‌ای را جابه‌جا کرد و این رسانه برای انتشار نخستین گفت‌وگوی تلویزیونی الجولانی بعد از تصرف سوریه پیشقدم شد و مجری خانم نیز حجاب مورد تأیید جولانی را به سر انداخت. این رسانه در ادامه فعالیت‌هایش برای تغییر عنوان تروریست به گروه آزادی‌طلب روی تصاویر زندان صیدنایا نیز حساب ویژه‌ای باز کرده بود و در استفاده از این تصاویر نیز آن‌قدر افراط به خرج داد که نهایتاً یکی از ماندگارترین سوتی‌ها را در پروژه سفیدشویی جولانی داد. کلاریسا وارد، خبرنگار شبکه آمریکایی CNN در سوریه به زندان بدنام صیدنایا رفت و در بازدید خود در این زندان وارد سلولی شد. در آن سلول شخصی حضور داشت که گفته شد یکی از زندانیان مربوط به دوران بشار اسد است که با دیدن خبرنگار و نیروهای جولانی خوشحال شد که آزادی‌اش را به‌دست آورده است و خودش را به آغوش خبرنگار آمریکایی انداخت و تشکر کرد. در گزارش سی‌ان‌ان صحنه‌های احساسی رقم خورد و نحوه آزادی این شخص بسیار خبرساز شد و بسیاری از مردم به آن واکنش نشان دادند و ابراز احساسات کردند. حال سی‌ان‌ان اعتراف کرده که فرد مذکور زندانی نبوده و در واقع یک مأمور در دوران بشار اسد بوده است. این رسوایی با انتقادهای گسترده‌ای همراه شده تا جایی که ایلان ماسک هم واکنشی نشان داده و در توییتی نوشت: «سی‌ان‌انی‌تر از این نمی‌شود!»

ما هم موافقیم مسئله اصلی حجاب نیست

رسانه‌های اپوزیسیون تلاش دارند تا هرگونه دعوت به حجاب را در ایران به‌عنوان ابزاری برای تنش استفاده کنند برای همین هم این گونه تیتر می‌کنند که مسئله ایران حجاب نیست. ما هم موافقیم مشکل ایران حجاب نیست، مشکلی که غرب و ارتش رسانه‌ای‌اش را علیه ایران بسیج کرده تقابل با سیاست‌های استعماری آن‌ها به‌ویژه در منطقه است به همین دلیل هم اگر در سوریه کسی حجاب سر دیگران کند و با آمریکا مشکلی نداشته باشد، می‌شود «پدری مهربان»؛ چراکه از اساس مسئله نه حجاب بوده و نه حقوق بشر که اگر می‌بود دامن تحریرالشام که در لیست گروه‌های تروریستی هم قرار دارد بیشتر به آن آلوده بود. مسئله اصلی این است که سیاست‌های غرب چگونه جلو می‌رود اگر الجولانی می‌تواند برای آمریکا کار کند و امنیت اسرائیل را تأمین کند پس می‌شود ریش و سبیلش را نظم داده و رسانه‌ها را قربان صدقه‌گویان در مقابلش به خط کرد.

سعید آجرلو، کارشناس مسائل سیاسی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

جولانی یک پدیده رسانه‌ای است

در دنیای پیچیده سیاست و رسانه، گاهی یک چهره می‌تواند تبدیل به نمادی جهانی شود که هیچ ربطی به واقعیت‌ها و گذشته‌های تاریکش ندارد. یکی از این پدیده‌ها، احمد الشرع ملقب به ابومحمد الجولانی و گروه تحریرالشام است که به‌طور خاص از سوی رسانه‌های غربی بازسازی شده است. سعید آجرلو، کارشناس مسائل سیاسی، در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به بررسی این پدیده پرداخته و از آن به عنوان یک «برساخت رسانه‌ای» یاد می‌کند. او معتقد است رسانه‌های غربی با دستکاری در واقعیت‌ها، چهره‌ای جدید از جولانی ساخته‌اند درحالی که گذشته تاریک و عملکرد جنجالی‌اش همچنان دست‌نخورده باقی مانده است. این تغییر چهره، تنها در عرصه رسانه‌ها و در راستای منافع غرب صورت گرفته است. آجرلو با اشاره به روند «ری‌برندینگ» جولانی، آن را مشابه تلاش‌های مشابه در دیگر عرصه‌های سیاسی می‌داند، مانند روند مشابهی که در قبال چهره‌هایی نظیر رضا پهلوی شاهد بودیم. در این پروژه‌ها، رسانه‌ها با ایجاد یک تصویر جدید از افرادی با گذشته‌های پرسش‌برانگیز، سعی دارند آن‌ها را به عنوان چهره‌هایی «مناسب» برای گفتمان‌های جدید معرفی کنند. آجرلو با اشاره به این موضوع نشان می‌دهد که چطور رسانه‌های غربی توانسته‌اند حتی یک چهره همچون جولانی را از «تروریست» به «آزادی‌بخش» تبدیل کنند. در ادامه متن کامل این گفت‌وگو را از نظر می‌گذرانید.

این جولانی یک برساخت رسانه‌ای است

سعید آجرلو پدیده جولانی و تحریرالشام جدید را از چند منظر قابل بحث دانسته و تصریح کرد: «یکی مسئله برندینگ است، دیگری مسئله فکری و عقیدتی این گروه و سوم هم احتمالاً مباحث سیاسی مربوط به جولانی و تحریرالشام. به نظر من از نظر رسانه و برندینگ، جولانی درواقع نماد دستکاری واقعیت توسط رسانه‌های غربی است. یعنی اگر ما قبول کنیم که رسانه در موضع جلوتری از واقعیت قرار دارد، یعنی این‌طور نیست که رسانه بازتاب‌دهنده واقعیت باشد، بلکه رسانه واقعیت را می‌سازد و واقعیت چیزی جز آنچه رسانه می‌سازد شاید نباشد، از این بابت پدیده جولانی و تحریرالشام حاصل یک دستکاری در واقعیت است. چرا من می‌گویم دستکاری در واقعیت یا برساخته رسانه‌ای؟ به این دلیل که در دستگاه واقعی واقعیت، این‌ها به نحوی شگفت‌انگیز از اذهان مردم گذشته افراد را پاک می‌کنند و یک موجود جدید و یک برند جدید -اگر بخواهیم از نظر کمپین و برندینگ نگاه کنیم- تحویل جامعه می‌دهند. این برند ارتباطش با بخش‌های سیاه گذشته‌اش قطع می‌شود. این کاری است که رسانه‌های غربی در مورد جولانی انجام می‌دهند. به عبارت دیگر، رسانه‌های غربی اساساً به دنبال پلتفرم‌های مشروعیت‌سازند. یعنی این رسانه‌هایند که در گفتمان غربی مشروعیت تولید می‌کنند. نوع محتوایی که می‌سازند، نوع سؤالاتی که می‌پرسند، نوع تصاویری که پخش می‌کنند و این‌گونه می‌توانند یک فرد را با همین دستکاری یا وارونه کردن واقعیت، به گونه‌ای تصویر کنند که این تصویر لزوماً تصویر واقعی آن فرد نباشد. بنابراین، جولانی از نظر من یک برساخته رسانه‌ای و حاصل دستکاری رسانه‌ای است که گذشته‌اش پاک شده و یک نمای جدید برایش ساخته شده است. این شمایل جدید توسط شبکه رسانه‌ای غرب که شامل تمام پلتفرم‌هایی است که ذیل اندیشه غربی و استکباری فعالیت می‌کنند، ساخته شده است.»

گفتمان غرب، تروریست‌ها را تروریست نمی‌داند!

پس از سقوط اسد بسیاری از رسانه‌های غربی پروژه سفیدشویی گروه تحریرالشام را در دستور کار قرار دادند. آجرلو با اشاره به یک نکته مهم درباره این جنس مشروعیت‌دادن‌ها و این جنس دستکاری واقعیت‌ها گفت: «اساساً شبکه پلتفرم‌های رسانه‌ای غرب، کسانی را که علیه اسرائیلند عمدتاً ذیل ادبیات تروریستی تعریف می‌کنند و تروریست‌هایی که علیه اسرائیل و آمریکا نیستند را تروریست نمی‌داند. نماد این قضیه خود جولانی است؛ یعنی جولانی که یک تروریست تکفیری با سوابق تاریک است، به واسطه اینکه سودای مبارزه با اسرائیل را ندارد، در این گفتمان غربی تروریست محسوب نمی‌شود و از او شمایل یک فرد رهایی‌بخش در سوریه ساخته می‌شود. بنابراین، بخش اول که بخش رسانه‌ای و کمپینی و بخش‌های مربوط به ری‌برندینگ است را اگر بخواهم جمع‌بندی بکنم می‌توانم بگویم که کار اصلی این رسانه‌ها، مشروع ساختن و اعتبار بخشیدن به افرادی است که گذشته تاریک و نحسی دارند و هنوز به گذشته‌شان پاسخ نداده‌اند اما زیرساخت‌های غربی از آن‌ها تصویر جدیدی تولید می‌کنند که این تصویر اشاعه پیدا می‌کند، تقویت می‌شود و گسترش می‌یابد.»

از پهلوی تا تحریرالشام؛ هدف عملیات ری‌برندینگ

عملیات ری‌برندینگ این رسانه‌ها مورد جدیدی نیست و مسبوق به سابقه است. آجرلو درباره این سابقه سیاه گفت: «یک نمونه خیلی دم‌دست و ملموس برای ما درواقع رضا پهلوی است و ایده سلطنت‌طلبی که با آن گذشته تاریک و منفوری که دارد، اما می‌بینید که در طی سالیان گذشته زیرساخت‌های غربی (که رسانه‌های فارسی‌زبان هم کمک کرده‌اند) آمده‌اند و در حال ری‌برندینگ رضا پهلوی هستند. رضا پهلوی که درواقع آن گذشته سیاه و بی‌پاسخ را دارد، مانند جولانی است که نسبتش با تروریسم تکفیری را مشخص نکرده است. سابقه او هم وجود دارد. سابقه‌اش را به نظر من همین سلطنت‌طلب‌ها و پهلویست‌ها می‌خواهند شست‌وشو دهند و یک تصویر جدید از او تولید کنند، بدون اینکه به گذشته‌اش پاسخ داده شود و بدون اینکه حتی نسبت به رفتارهای خائنانه‌اش در حال حاضر، مانند دیدارش با نتانیاهو و هم‌پیمانی با نتانیاهو، سکوت شرم‌آور در مقابل ماجرای غزه و کشتار کودکان و زنان و دیگر مردم فلسطین، پاسخ دهند. حتی سکوت او هم توجیه می‌شود و هیچ پاسخی برای آن ندارند. بنابراین، من فکر می‌کنم کل این پروژه‌های ری‌برندینگ الآن کاملاً اسرائیلی است و بقیه افراد، ازجمله اردوغان و دیگران در زمین اسرائیل بازی می‌کنند؛ در زمین نتانیاهو بازی می‌کنند، منتها با تاکتیک‌های جدید. یعنی وقتی بغدادی دیگر جواب نمی‌دهد، جولانی با شمایل یک آدم نرم و خوب به میدان می‌آید و یک تصویر جدید تولید می‌کند. پس اولین منظری که می‌توان برای پدیده تحریرالشام و جولانی توضیح داد، ارتباط آن‌ها با رسانه و درواقع برندینگ است.»

جولانی استراتژی ندارد

آجرلو در ادامه به منظر فکری و عقیدتی آن‌ها پرداخت و توضیح داد: «باز هم می‌شود ارتباط این منظر را با حوزه رسانه‌ای برقرار کرد. قضیه سفیدشویی که در این ماجرا مطرح است، یعنی اساساً نسبت این‌ها با اندیشه‌های تکفیری تروریستی، با مدل‌های حکومت، با مردم‌سالاری، با مسائل روز و این‌ها هم مشخص نیست. یعنی ما با یک طایفه کاملاً متصلب و متحجر مواجهیم که خودش را یک روز در القاعده نشان داده، یک روز در داعش نشان داده و امروز یک رویه و یک لباس اخوانی پوشیده و وارد سوریه شده. از نظر فکری و عقیدتی، از تصویر او یا تفسیرش از اسلام، تفسیرش از اسلام سیاسی، فلسفه سیاسی و این‌ها هیچ تصویر روشنی نداریم و هیچ حرف روشنی هم نداریم. مجموعه‌ای از تاکتیک‌ها را جولانی دارد انجام می‌دهد؛ تاکتیک‌هایی که به نظر من استراتژی ندارد. چرا استراتژی ندارد؟ به خاطر اینکه اساساً راهبرد اصلی‌اش، راهبرد اسرائیل است که می‌خواهد تهدیدهای فوری را از خود دور کند، دولت‌های قدرتمند اطرافش را ضعیف کند و گشایش سرزمینی داشته باشد. به نظر من، ما با انبوهی از تاکتیک‌ها اما بدون استراتژی، بدون راهبرد، بدون تعریف خودش و بدون اینکه ارتباطی بین این جولانی و مبانی فکری‌اش ببینیم، مواجهیم. یعنی حتی اگر اخوان را بخواهیم تحلیل کنیم، اخوان درواقع نسبت به اسرائیل، خیریت‌ساز بوده و به دنبال آرمان فلسطین است، حداقل آن اخوان متقدم. اما این اخوانی که امروز داریم من فکر می‌کنم، این اخوان تجدیدنظر شده و اخوان استحاله شده است. این اخوانی که امروز داریم، نسبت به اسرائیل اعلام دشمنی نمی‌کند، در مقابل تجاوز اسرائیل به زیرساخت‌های نظامی و تجهیزات نظامی سکوت می‌کند. بنابراین، می‌شود گفت این اخوان آمریکایی است که در جهت اهداف آمریکا و اسرائیل حرکت می‌کند و عدول از آرمان‌های اخوان هم هست. بنابراین منظر دوم، منظر ایدئولوژیک، عقیدتی و فلسفه سیاسی این‌هاست که باز هم می‌بینید در این عملیات‌های رسانه‌ای کاملاً نادیده گرفته می‌شود و به چالش کشیده نمی‌شود، درحالی‌که به نظر من از نظر فکری نه انسجامی دارد، نه برآمده از یک بنیه قدیمی و دارای قدمت فکری است و نه ایده‌ها و چشم‌انداز و گفتمانش مشخص است. فقط مخالف بشار اسد است، مخالف رژیم است. اما اینکه چگونه سوریه‌ای را می‌خواهد؟ نسبت این سوریه با جهان اسلام چیست؟ نسبت این سوریه با آرمان فلسطین چیست؟ نسبت این سوریه با رژیم چیست؟ برای این سؤال‌ها پاسخی وجود ندارد. به نظر من نمادی از تضعیف سوریه است. به این معنا که شما نمی‌بینید این ضعیف شدن سوریه در این گفتمان غربی به چالش کشیده شده باشد، چون این ماجراها بخشی از همان ایده ایجاد امنیت برای رژیم است.»